

# مطالعات باستان شناسی

امروزه بخشی از مطالعات باستانشناسی دارای رویکرد بازسازی بسترهای زمین محیطی (Geoenvirnuntal) سایت های باستانشناختی در ابعاد محلی یا منطقه ای است. مطالعه سیستمهای استقرار بر مطالعه مدارک باستانشناختی متصل و گسترده در پهندشت استوار است نه بر سایت های منفرد متفضل، این نوع مطالعه اساس پهندشت باستانشناسی را تشکلی می دهد و از ابتدا به یک رویکرد مطالعاتی زمین - باستانشناسی منطقه ای (Rigional geoarchaeological approach) نیاز دارد (Rossignol (and Wandsnider 1992, Ebert 1992). بسیاری از مناطق از نظر ژئومورفولوژی در دوره کواترنری پویا بوده اند امروزه فقط بخشهای پراکنده و نسبتاً کوچکی از سطح زمینهای مربوط به آن دوره در کنار سطوح مدرن دیده می شوند (Sttafaord and Hajic 1662). جایکه آثار و مدارک فراوانی از بقایای باستانشناختی در سطح زمین پراکنده شده اند قسمت عمده تر آن مدارک باستانشناسی پهندشت مذکور محسوب شده و در این حال لزوماً سیر تحول یک پهندشت و وضعیت و موقعیت قراقریری ابزارها و رابطه آن با فعالیتهای رسوب گذاری منطقه باید مورد مطالعه قرار گیرد (Schiffir (1987, Stafford and Hajic 1992). بنابراین مطالعه مدارک باستانشناختی در گستره یک پهندشت در حال تغییر، احتیاج به مطالعات زمین باستانشناختی در وسعت منطقه ای و استراتژیهای کاوشهای باستانشناختی دارد.

بین آنالیز ژئومورفولوژیکی یک پهندشت و استراتژیهای استقرار و معیشتی جوامع باستانشناختی و تغییرات مداوم ساختار یک پهندشت روابط معناداری وجود دارد. یک نوع از روابط از طریق پهندشت اکولوژی حاصل می شود که عمده تأکید آن بر ناهمگنی فضایی زمانی و محیطی یک پهندشت در اندازه های مختلف دارد. شناخت بهتر ساختار فضایی مدارک باستانشناختی در گستره یک پهندشت فقط در سایه درک مفهومی پهندشت اکولوژی است که یک تلقی ساختاری از پهندشت دارد.

جمع آوری مدارک باستانشناختی از مناطق پهندشتی در ارتباط با بافت های استقرار و معیشتی بدلیل ضرایب متغیر مدفون شدگی و همچنین ضرایب متغیر حفظ شدگی آثار در سطح و زیر سطح

زمین و تأثیر تبعیض انسانی (bias) در شناخت و جمع آوری مدارک همیشه اشکالاتی را به همراه داشته است. هر چند که اخیراً پیشرفت تهیه

نقشه های سه بعدی از مدارک مدفون شده تا حدودی این اشکالات را رفع نموده است با این وجود این باستانشناسان که در روی پهندهشت ها کار می کنند با موانع دیگری نیز برخورد دارند که عبارتند از حجم رسوب گذاری ها در مناطق مختلف، انتخاب تکنیک نمونه برداری صحیح، و انتخاب تکنیک صحیح کاوش در جاهاییکه آثار در اعماق بیشتری قرار دارند: (Johnson and Logan 1990).

امروزه برای باستانشناسان و انسانشناسان شکی وجود ندارد که جستجوی انسان برای غذا و استراتژیهای استقرار آنها در زمین مربوط به بخشی از عملکرد اکولوژیکی یک پهندهشت می باشد که در گسترش انرژی و مواد غذایی در بعد زمان و مکان در همه پهندهشت قابل درک است (Butzer 1982). بنابراین شناخت ساختار زمین شناختی و بسترهای محیطی یک پهندهشت ما را در درک بهتر انتخاب استراتژیهای گوناگون توسط انسانهای گذشته در اکوسیستم های متغیر یاری می کند. به عنوان مثال زندگی گروههای کوچ رو و

جمع آوری کننده غذا و شکارگران بیشتر از کشاورزان در معرض تغییرات کوتاه مدت محیطی بوده است. در عین حال این که گروههای غیرمتحرک نیز باید خود را با پهندهشت غیرهمگن همساز می کردند. بنابر تعریف پهندهشت ها پدیده های چند بعدی هستند و پهندهشت اکولوژی با ساختار، عملکرد و با تجمعهای فضایی اکوسیستم مربوط می شود. منظور از ساختار در اینجا توزیع فضایی انرژی، مواد و انواع است که به اندازه، شکل، تعداد، نوع و ساختمان کلی اکوسیستم ها بستگی دارد. عملکرد، رابطه متقابل

داده های فضایی فوق و تغییر نیز به دگرگونی ساختار و عملکرد داده های فوق در طول زمان برمی گردد (Turner 1989: 173).



# ProjectCenter

www.ProjectCenter.ir

📷 | @projehcenter

📍 | @projehcenter\_ir